

## تربیت در اسلام

یونس احمدپوری<sup>۱</sup>، رعنا شیخزاده تکابی<sup>۲</sup> و میثم احمدپوری<sup>۳</sup>

۱ کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی-دانشگاه آزاداسلامی واحد ذوقول

۲ کارشناس ارشد روان شناسی تربیتی-دانشگاه شهید چمران اهواز

۳ دانشجو کارشناس ارشد روان شناسی تربیتی-دانشگاه پیام نور بهبهان

### چکیده

در کشور ما ضرورت تربیت دینی به عنوان وظیفه مهم و اصلی آموزش و پرورش مورد پذیرش است. بنابراین، باید تلاش نمود تا به شیوه‌ها و روش‌های موجود در این فرایند کیفیت بخشید و آن را بهتر و زیباتر به نسل جوان ارائه داد. انسان، مستعد اتصاف به همه کمالات است. وصول به آنها در گرو تربیت صحیح می‌باشد و برای رسیدن به هدف والای قرب الی‌الله، باید بهترین شیوه‌ها را انتخاب نمود. به یقین، برترین روش‌ها که مبتنی بر شناخت حقیقت انسان و همه ابعاد وجودی اوست، تنها در کلام و سیره انسان‌های کامل در هر عصر و زمان جست‌وجو می‌شود و چنین انسان‌هایی برای همه عصرها و زمان‌ها جز معصومان کسی نیست. این مقاله با رویکرد نظری و تحلیلی و با هدف آشنایی با مبانی، اصول و روش‌های تربیتی و با روش مطالعه موردی و با استناد به منابع روایی معتبر و دست اول تلاش می‌کند تا با استفاده از احادیث و آیات قرآن کریم، به تطبیق عواملی که در تربیت دینی مؤثر هستند، بپردازد.

واژه‌های کلیدی: تربیت، شیوه تربیتی، ضرورت تربیت دینی، روش، سیره.

## مقدمه

سپاس خدای دو جهان را سزاست که در کتاب با عظمت خود شیوهی تربیت انسان را به عرصه‌ی بیان آورد و اصول هدایت، نیکی و اصلاح بشری را در احکام شرع مقدس اسلام آشکار کرد.

آن قدر که انسان تربیت نشده مضر است برای جامعه هیچ شیطان و هیچ حیوانی آنقدر مضر نیست و آن قدر که انسان تربیت شده مفید است برای جامعه هیچ ملائکه‌ای و هیچ موجودی آن قدر مفید نیست.<sup>۱</sup>

چون انسان موضوع تربیت و یکی از اساسی‌ترین موضوعات مطالعاتی علم تعلیم و تربیت محسوب می‌شود، بنابراین، تربیت را "فراهم آوردن زمینه برای پرورش دادن و به فعلیت رساندن تمام استعدادهایی می‌دانند که خداوند بالقوه در نهاد او به ودیعت نهاده است." اما این انسان تنها به وسیله کسی می‌تواند به درستی شناسانده شود و سپس تربیت گردد که خود خالق اوست. از این رو، بهترین منبع مطالعه انسان، منابع متصل به وحی الهی؛ یعنی قرآن و روایات می‌باشد. در منابع اسلامی به این نکته مهم تذکر داده شده که زمام تربیت انسان باید به دست کسی باشد که از رمز و راز او و زوایای آشکار و پنهان و ابعاد مختلف وجودی‌اش، حتی از خود آدمی آگاه‌تر است. کسی که گل وجودش را سرشته، خمیرمایه فطرتش را به دست خویش آفریده باشد، در آن از روح خود دمیده، عقل، عاطفه، وجدان و معنویت‌خواهی را در ذاتش نهاده و همیشه با او می‌باشد که: "وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ" (حجر: ۲۶) و "تَعْلَمُ مَا تُؤَسُّوسُ بِهِ نَفْسَهُ وَتَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ" (ق: ۱۶).

در منابع اسلامی آنچه هدف ارسال رسل و بعثت انبیای الهی: شمرده شده است، تربیت انسان و انسان‌سازی و به فعلیت رساندن تمام گنجینه‌ها و استعدادهای نهفته در درون وی بوده است. هدف از آفرینش انسان و تربیت او جز این نمی‌تواند باشد. اتفاقاً در قرآن خداوند نیز به عنوان مربی انسان معرفی شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم وجود عینی قرآن کریم است که با رفتار و گفتار خود، آیات الهی را به منصفی ظهور رسانده است. لذا سنت نبوی هم‌سنگ قرآن عظیم، اولین نهاد در بنیان رفیع فرهنگ و نظام تربیت اسلامی به شمار می‌رود. بنابراین چنانچه مبانی و اصول تربیت از آموزه‌های والای الهی و پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به درستی تحلیل و تبیین شود، می‌تواند به عنوان مناسب‌ترین نمونه برای عمل‌کردهای تربیتی جامعه‌ی انسانی ما تلقی گردد.

در مطالعه‌ی حاضر، سوال‌های اساسی زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

- ۱- اهمیت و اهداف تربیت در قرآن و سنت چیست؟
- ۲- مبانی تربیت از دیدگاه قرآن و سنت کدامند؟
- ۳- اصول تربیت از دیدگاه قرآن و سنت کدامند؟
- ۴- روش‌های تربیت از دیدگاه قرآن و سنت کدامند؟

ما پس از بررسی، در مجموع به شش مبنا و در هر مبنا، به اصول آن و روش‌های تربیتی هر اصل پرداخته‌ایم.

## مفهوم‌شناسی

## تربیت

در تعریف تربیت آمده است:

تربیت، عبارت است از فعالیتی مستمر و منظم در جهت کمک به رشد جسمانی، شناختی اخلاقی، اجتماعی و به طور کلی پرورش و شکوفایی استعدادهای متربی که نتیجه آن در شخصیت متربی به ویژه در رفتارهای او ظاهر خواهد شد. (حاجی ده آبادی، ۱۳۷۷)

## تربیت و معنای آن در قرآن و سنت:

تربیت در لغت به معنی: به کارگیری روش‌ها است،<sup>۲</sup> و در اصطلاح: فراهم آوردن زمینه برای پرورش استعدادهای درونی هر موجود و به ظهور رسانیدن امکانات بالقوه موجود در درون او را تربیت می‌نامند. (داوودی، ۱۳۸۳)

<sup>۱</sup>-امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۵۳

<sup>۲</sup>-حول التربية الإسلامية

در قرآن تربیت در یک تعبیر به معنای رسیدن به رشد است، آیه ۱ سوره‌ی جن ناظر بر این تعبیر است. آیات دیگری مانند ۲۵۶ سوره‌ی بقره، ۱۰ سوره‌ی جن، ۱۰ سوره‌ی کهف نیز ناظر بر همین معنا از تربیت است، در جای دیگر قرآن مانند آیات ۲۹ و ۳۸ سوره‌ی غافر مأموریت پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم هدایت به راه کمال ذکر شده است. در سوره‌ی آل عمران آیه ۱۶۴ آمده است: "که همانا خداوند بر افراد با ایمان منت نهاد و برای آنان پیامبری مبعوث کرد تا بر آنان آیات الهی را تلاوت کند و انسان‌ها را از آلودگی‌ها برهاند. (تذکیه کنند) و به آن‌ها کتاب و حکمت بیاموزند".

پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز در جایی فرمودند: "من برای به کمال رساندن خوبی‌های اخلاق مبعوث شده‌ام".

با توجه به مجموعه‌ی سنن و آموزه‌های آن حضرت صلی الله علیه وسلم می‌توان تربیت را این گونه تعریف کرد: به ظهور رسانیدن استعدادهای کمالی انسان با توجه به فطرت الهی وی و در جهت مسیری که خداوند از طریق آیاتش در اختیار وی قرار داده است. در این میان پرمعناترین تعبیر از تربیت اسلامی همان تعبیر به تذکیه است.

### تربیت دینی

تربیت دینی عبارت است از:

مجموعه اعمال عمدی و هدفدار، به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر در عمل و نظر تا به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند گردند. (داوودی، ۱۳۸۳)

### سیره

سیره بر وزن فعله از سیر به معنای چگونگی عمل و رفتار یا سبک و قاعده رفتار است. (حسینی زاده، ۱۳۸۲)

### اهمیت تربیت در قرآن و سنت:

در اهمیت تربیت در اسلام همین بس که در قرآن مجید یکی از اهداف عالیّه بعثت پیامبران به عنوان تذکیه (تربیت) نام برده شده است. به نص صریح قرآن اگر تربیت الهی توسط مربیان برگزیده صورت نمی‌گرفت، هدایت آن‌ها میسر نمی‌شد و آن‌ها در گمراهی و ضلالت باقی می‌ماندند: "هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ" (الجمعة: ۲)

رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: بهترین هدیه والدین به فرزندان خود، تربیت خوب آن‌هاست.<sup>۳</sup>

روش تربیتی پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم بود که در عصر جاهلیت از انسان‌هایی که قرن‌ها از تمدن و فرهنگ دور بودند، زاهدان و دلاورانی ساخت که پس از گذشت نیم قرن از طلوع اسلام، فرمان‌روای نیمی از جهان شدند.

در قرآن کریم تذکیه نفس که همان تربیت است رستگاری خوانده شده است: "قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا" (الشمس: ۹، ۱۰). بارزترین مانع در این راه سعادت، وجود نفس است که در کالبد انسان وجود دارد.

ای شهان کشتیم ما جسم برون / ماند خصمی زو بتر در اندرون

در پرتو آیات و احادیث به خوبی مشخص می‌گردد، که انسان برای تربیت صحیح خود و فرزندان خویش به وحی نیازمند است:

۱- ناتوانی انسان از شناخت کامل خود.

۲- گستردگی دامنه‌ی تربیت در انسان که اولاً: روح انسان در نهایت حساسیت و اثرپذیری است، تا آن‌جا که از هر عامل کوچکی متأثر می‌شود و ثانیاً: عوامل مؤثر در زمینه‌ی روحی انسان محدود و معدود نیست، بلکه بی‌شمار است. (داوودی، ۱۳۸۳)

### اهداف تربیتی در قرآن و سنت:

انسان برای انجام هر کاری در درجه‌ی اول نیازمند انگیزه‌ای است که وی را برای انجام کار تجهیز کند. انگیزه، عاملی است درونی که رفتار انسان را در جهت رسیدن به هدفی خاص، هدایت می‌کند.

۳- "أخرجه الترمذی و قال: هو مرسل"

در تربیت، ما به دنبال آنیم که متربی با انگیزه‌های خود، با گام‌هایی که برمی‌دارد، در جهت رسیدن به اهداف مطلوب زندگی، تلاش کند. می‌خواهیم کاری کنیم که او خود وظایف خویش را به انجام برساند و حافظ معیارهای سالم و کامل زیستن باشد. (باقری، ۱۳۶۸)

مهم‌ترین هدف دین مقدس اسلام، تربیت و تهذیب جامعه‌ی انسانی است تا اجتماع بشری از ناپاکی‌ها و آلودگی‌های روحی و روانی پاک شود. همان طور که روشن است بدون تربیت و تهذیب، علوم و دانش و حکمت آموختن ضمن این‌که ثمره‌ای ندارد، مخرب نیز هست.

اهداف تربیتی که از عناصر اساسی در نظام تربیتی به حساب می‌آید، با نگاه به قرآن و سنت مبانی و اصول مورد نظر آن، قابل دست‌یابی است. اگر مبانی تربیت، دینی باشد و اصول منتزعه از آن هم مطابق آموزه‌های دینی وضع شده باشد، هدف‌های نظام تربیتی نیز دینی خواهد بود.

بزرگ‌ترین هدف، رستگاری با کسب رضایت الهی است و تمام اهداف فرعی دیگر، لازم است در خدمت این هدف برتر درآیند و اساس هر خیر و هر عمل صالح و نیکی، ایمان به خداوند و متصف شدن به اخلاق و ارزش‌های اسلامی است: *وَمَا أَمْرًا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ (البینة: ۵)*. تمام اعمال و کردار باید در خدمت هدف نهایی و اساسی؛ رضایت الهی باشد.<sup>۴</sup> در حدیثی آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: "هرگاه خواسته‌ای داشتی، آن را تنها از خداوند بخواه! و هرگاه به کمکی نیاز پیدا کردی، تنها از خداوند استعانت کن! بدان اگر همه‌ی مردم با هم دست به یکی کنند و بخواهند نفعی را به تو برسانند، هیچ نفعی بجز همانی که خداوند برای تو قرار داده است، به تو نخواهند رسانید و اگر همه با هم جمع شوند تا زبانی را متوجه تو نمایند، جز همان زبانی که خداوند مقرر کرده به تو نخواهند رسانید."<sup>۵</sup>

#### مبانی، اصول و روش‌های تربیتی

قبل از اینکه به بحث درباره‌ی مبانی، اصول و روش‌های تربیتی بر اساس دیدگاه اسلام بپردازیم، بهتر است ابتدا مقصود خود را از این اصلاحات مشخص نمایم.

معنای "اصل" در علوم کاربردی، قاعده‌ی عامه‌ای است که می‌توان آن را به منزله‌ی دستورالمعلی کلی در نظر گرفت و به عنوان راهنمای عمل قرار داد. اصل در علوم کاربردی به صورت قضیه‌ی ای بیان می‌شود که حاوی "باید" است، در حالی که در علوم نظری و تجربی، به شکل قضیه‌ی ای حاوی "است" اظهار می‌شود. براین اساس هنگامی که از اصول تعلیم و تربیت سخن می‌گوییم، باید خود را محدود به بیان قواعدی کنیم که به منزله‌ی راهنمای عمل، تدابیرتعلیمی و تربیتی ما را هدایت می‌کنند. (باقری، ۱۳۸۷) بنابراین رابطه‌ی خاصی میان "اصل" در علوم نظری و "اصل" در علوم کاربردی وجود دارد؛ به عبارت دیگر، اصول مورد بحث در علوم کاربردی مبتنی بر اصول مورد توجه در علوم نظری خواهند بود.

همان گونه که ذکر شد، اصول مورد بحث در علوم نظری، "مبانی" اصول مورد نظر در علوم کاربردی هستند؛ پس مبانی تعلیم و تربیت، مجموعه‌ی قانونمندی‌های شناخته شده در علوم نظری، چون روانشناسی و جامعه‌شناسی است که تعلیم و تربیت بر آنها تکیه دارد. از سوی دیگر، اصول تعلیم و تربیت، مجموعه‌ی قواعدی خواهد بود که با نظر به قانونمندی‌های مذکور، اعتبار می‌شوند و راهنمای عمل قرار می‌گیرند.

همان گونه که اصول بر مبانی تکیه دارند، روش‌ها نیز بر اصول مبتنی هستند؛ البته، اصول و روشها از یک سنخ هستند؛ زیرا هر دو دستورالعمل هستند و به ما می‌گویند که برای رسیدن به مقصد و مقصود مورد نظر، چه باید بکنیم اما تفاوت آن‌ها در این است که اصول، دستورالعمل‌های کلی هستند و روش‌ها، دستورالعمل‌های جزئی هستند.

بنابراین مباحث این بخش مقاله تحت سه فراز پی در پی تنظیم شده است: "مبانی تربیتی"، "اصل تربیتی" و "روش‌های تربیتی". در هر "مبنا" یکی از ویژگی‌های تربیت مورد بحث قرار می‌گیرد، سپس در اصل مربوط به مبانی مذکور، قاعده و

<sup>۴</sup>-حول التریبة والتعلیم

<sup>۵</sup>-الأربعین النوویة

دستورالعملی کلی بیان می شود و سرانجام، در روش های تربیتی مبتنی بر اصل مذکور، شیوه های جزئی تر برای ایجاد تغییرات مطلوب شرح داده می شود.

همان گونه که ذکر آن رفت، مبانی گزاره هایی کلی هستند که به شکل قضیه ای حاوی "است" اظهار می شوند؛ براین اساس هنگامی که از مبانی تربیتی سخن می گوئیم، باید گزاره هایی کلی را از آیات و روایات اسلامی در مورد تربیت استخراج کنیم که به منزله ی راهنمای عمل هستند و تدابیر تعلیمی و تربیتی ما را هدایت می کنند. در این مقاله برای استخراج مبانی تربیتی، براساس دیدگاه اسلام، شش مبنا با عنوان "فطرت"، "عقلانیت"، "کرامت"، "جذب حسن و احسان"، "نقایص ذاتی انسان" و "وجود رابط" به عنوان گزاره هایی کلی در نظر گرفته شده اند و سپس اصول تربیتی از این مبانی استخراج شده اند و سرانجام روش های تربیتی نیز از این اصول مستخرج شده اند.

### مبنای اول: فطرت

در انسان شناسی اسلامی، "فطرت" اشاره به ویژگی هایی دارد که در اصل خلقت و آفرینش انسان همراه وی بوده است و این ویژگی ها زمینه ی گرایش های ایمانی و اخلاقی وی است. آیات قرآنی اشاره به گرایش فطری انسان ها به دین حنیف خداوند دارد: "فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ" (روم، ۳۰). در حدیثی که امام باقر(ع) از آن حضرت(ص) نقل فرموده اند، پیامبر اکرم(ص) تولد هر مولودی را بر اساس فطرت می دانند و مقصود از آن، معرفت به این مطلب است که خداوند آفریدگار او است.<sup>۶</sup>

### ۱-۱) اصل یک (از مبنای اول): تذکر

اهمیت این اصل به اندازه ای است که گاه تنها وظیفه ی پیامبر(ص) در قرآن کریم "تذکر" بیان شده است: "فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ" (غاشیه، ۲۱). تذکر به معنای به یاد آوردن، بیان گر آن است که گاه می باید آنچه را که آدمی فراموش کرده است یا امکان فراموشی آن وجود دارد به وی تذکر داد. (باقری، ۱۳۷۴) تذکر دو گونه است؛ یکی آنکه علم فراموش شده را به یاد می آورد و دیگر آنکه علم فراموش نشده را زنده می کند و بر می انگیزد. پیامبر اکرم(ص) به فرستادگان خود به شهرهای دیگر نیز سفارش می کردند که قیامت و مرگ را برای مردم یادآوری کنند. به عنوان نمونه، به معاذبن جبل، زمانی که وی را به یمن فرستاد توصیه کرد: "خدا و روز قیامت را به آنان یادآوری کن"<sup>۷</sup>

### ۱-۱-۱) موعظه

موعظه یا پند یکی از روش های دعوت به راه خدا است که در قرآن به پیامبر(ص) توصیه شده است:

"ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ..." (نحل، ۱۲۵)

معانی دلخواه و اصطلاحی موعظه را این گونه بیان کرده است. (داودی ۱۳۸۳)

معنای لغوی: منع و بازدارندگی از راه بیم دادن؛

معنای اصطلاحی (۱): بازداشتن از معصیت و دعوت به اطاعت؛

معنای اصطلاحی (۲): ارشاد و راهنمایی به اطاعت از خدا و دوری از معصیت.

این روش در تربیت هنگامی بیشترین فایده را خواهد داشت که موعظه کننده، خود عامل به وعظش بوده و آن را به شیوه ای نرم و مهربانگیز و حتی الامکان به صورت خصوصی و فردی بیان کند.

در سیره ی پیامبر اکرم(ص) آمده است که "هنگام موعظه شانه های آن حضرت از شدت تأثر حرکت می کرد"<sup>۸</sup>

### ۱-۱-۲) بیان قصه

تمامی مربیان و مخاطبان یکسان نیستند و برخی را بیان سرگذشت ها و داستان های جذاب اقوام و ملل، که آموزنده هستند، می توان تربیت کرد. بخش عمده ای از آیات قرآن نیز بدین گونه است که البته هدف از آنها عبرت آموزی و تعقل ذکر

<sup>۶</sup>- کلینی، بی تا، ج ۲، ۱۲

<sup>۷</sup>- مجلسی، ۱۴۰۳ هـ ج ۱۲۷، ص ۷۴

<sup>۸</sup>- مجلسی، ۱۴۰۳ هـ ج ۵۰، ص ۲۱۱

گردیده است: " لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ " (یوسف، 111) این شیوه، خصوصاً برای عوام مردم و همچنین کودکان و نوجوانان، بسیار جذاب و مفید است.

رسول اکرم(ص) در بسیاری از اوقات از این شیوه ی تربیتی به خوبی استفاده می کردند. به عنوان نمونه از ایشان نقل شده است که فرموده اند: "در روز قیامت فرمان می رسد که بنده ای را به جهنم ببرند، پس او را بدان سوی می کشند، اما گروهی از مؤمنان که در دنیا او را می شناختند رو به جانب آفریدگار آورده و می گویند: پروردگارا، این فرد در دنیا ما را به سوی تو دعوت می کرد، شفاعت ما را درباره ی او بپذیر، و خدای مهربان شفاعت آنان را می پذیرد و آن بنده را از عذاب نجات می دهد." (الصفار، ۱۳۸۳)

#### ۱-۲) اصل دو (از مبنای اول): بندگی خدا

اصولاً خداجویی و خداگرایی از خصوصیات فطری انسان هاست و مربیان نیز باید به این اصل توجه داشته و اطاعت خدا را سرلوحه ی تمامی فعالیت های خویش قرار دهند. رسول خدا(ص) خصیصه ی ممتاز خود را عبودیت می دانست؛ امتیازی که مسلمانان هر چند مرتبه به آن شهادت می دهند. پیامبر اکرم(ص) فرموده اند: "إن الله يحب الشاب الذي يفنى شبابه في طاعة الله"<sup>۹</sup>. یعنی خداوند جوانی را که جوانی خود را در راه اطاعت خدا صرف کند، دوست دارد. تربیت عبادی در سیره ی پیامبر اکرم(ص) عبارت است از آموزش قرآن، آموزش فرایض دینی، آموزش ذکر و دعا. (داوودی، ۱۳۸۳)

#### روش های تربیتی

روش های استنتاج شده در این اصل عبارتند از:

#### ۱-۲-۱) اهمیت دادن به نماز

نماز نور چشم رسول خدا بود و ایشان تأکید بسیاری بر آن داشتند. نقل کرده اند که جوانی از انصار پشت سر پیامبر(ص) نماز می خواند و در عین حال به اعمال زشت دست می زد؛ در باره ی او با پیامبر(ص) صحبت کردند، آن حضرت فرمود: سرانجام روزی نماز او را باز می دارد<sup>۱۰</sup>. ایشان در اهمیت این امر می فرمودند: "أحب الأعمال إلى الله الصلاة لوقتها". (کریمی فریدنی 1384) (یعنی، محبوب ترین کارها در پیشگاه خدا، نماز به هنگامه ی آن است).

#### ۱-۲-۲) خشنودی به قضا و حکم خدا

پیامبر اکرم(ص) در این باره فرموده اند: "کسی که به داوری خدا در آفرینش خشنود نمی گردد و به اندازه گیری و نظام بخشی او ایمان نمی آورد، باید خدایی جز خدای یکتا بجوید". (همان)

#### ۲) مبنای دوم: عقلانیت

یکی از ویژگی های انسان و بلکه وجه تمایز او با سایر مخلوقات، قوه ی تعقل و اندیشه ورزی اوست و انسانیت انسان با این ملاک به منصفه ی ظهور می رسد. می توان گفت که تمام قوای دیگر انسانی نیز به نوعی تحت نفوذ قدرت عقلانی وی قرار دارند. پیامبر اکرم(ص) عقل را به عنوان راهنمای انسان در زندگی معرفی می کند و در بیانی دیگر شرط دینداری را برخوردار از عقل می دانند: "إنما يدرک الخير كله بالعقل و لا دين لمن لا عقل له". (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۹)؛ یعنی امر خیر به وسیله عقل دریافت می شود و کسی که فاقد عقل است، فاقد دین نیز می باشد.

#### ۱-۲) اصل یک (از مبنای دوم): تعقل

از آنجا که عقلانیت از خصوصیات و ویژگی های منحصر به فرد انسان است، لذا به کارگیری قوه ی عاقله به عنوان یک اصل تربیتی قابل استنتاج است. در بیان چیهستی تعقل بسیار سخن گفته اند. "هر گاه تفکر و تعقل به نحو مترادف به کار روند، مقصود همین تفکر هدایت شده است. پس می توان گفت که هر تعقلی، تفکر است، اما هر تفکری تعقل نیست و از این رو اصل تعقل بیان گر آن است که باید پویش بی وقفه فکر و اندیشه ی آدمی را هدایت کرد". (باقری، ۱۳۷۴)

<sup>۹</sup>-المتقی، ۱۴۰۹ هـ ج ۱۵، ص ۷۷۶

<sup>۱۰</sup>-مجلسی، ۱۴۰۳ هـ ج ۸۲، ص ۱۹۸

دکتر شریعتمداری (۱۳۷۳) نیز مراحل فعالیت عقلانی را این چنین بر می شمارد: (۱) تشخیص موقعیت؛ (۲) مشخص ساختن یا موضوع مسأله؛ (۳) جمع آوری اطلاعات؛ (۴) تهیه راه حل ها؛ (۵) انتخاب بهترین راه حل. پیامبر اکرم(ص) در این مورد اشارات بسیاری دارند. به عنوان نمونه، "اول ما خلق الله العقل"<sup>۱۱</sup>؛ یعنی، اولین چیزی که خداوند آفرید عقل بود، یا "اصل الانسان لبّه و عقله"<sup>۱۲</sup>؛ یعنی، اصل انسان مغز و عقل اوست. از بیان پیامبر(ص) ده خصلت ستوده برای عاقلان آمده است: "حلم و بردباری، عفو و گذشت، تواضع و فروتنی، شتاب به عمل نیک، سخن خیر از روی تدبر و سکوت از شر، پناه بردن به خدا در فتنه ها، نگهداری دست و زبان، اغتنام فضایل، شرم و حیا و پرهیز از حرص و آز". (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۶۹)

### روش های تربیتی

روش های استنتاج شده در این اصل عبارتند از:

#### ۱-۲) پرسش و پاسخ

روایات بسیاری در این خصوص وجود دارد که آن حضرت(ص) با این روش به تربیت یاران و افرادش می پرداختند و آن را بسیار سودمند می دانستند. به عنوان نمونه نقل شده است که روزی پیامبر اکرم(ص) خطاب به یارانشان فرمودند: "می دانید چه کسی مفلس است؟ اصحاب پاسخ دادند: از نظر ما مفلس کسی است که پول و کالایی نداشته باشد. رسول خدا(ص) فرمودند: مفلس کسی است که وارد صحنه ی قیامت شود در حالی که نامه ی عملش پر از نماز و روزه و زکات باشد، اما به برخی از مردم دشنام داده و به بعضی تهمت زده یا مال کسی را غصب کرده و یا کسی را کشته یا کتک زده باشد، و ناچار شود پاداش عبادت هایش را به افرادی که بر آنها ستم وارد کرده ببخشد"<sup>۱۳</sup>.

#### ۲-۱-۲) گفت و گو

گفت و گو همیشه بهترین شیوه برای مبادله ی فکری بین انسان های عاقل محسوب می شود. پیامبر اکرم(ص) نیز از این شیوه برای تربیت دیگران و به تعقل واداشتن آنها استفاده کرده و به گونه ای مسالمت آمیز حتی از گفت و گو با کافران یا مشرکان و بی دینان ابایی نداشتند. نمونه های بسیاری از به کار گیری این شیوه توسط پیامبر اکرم(ص) و سایر معصومین(علیهم السلام) به عناوین مختلف وجود دارد و همیشه برای این امر آماده بودند (مانند مواردی که در کتاب "گفت و گوی تمدن ها در قرآن و حدیث" (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹) ذکر شده است) که در اینجا، جهت اختصار، آورده نمی شوند.

#### ۳-۱-۲) ذکر مثل

این روش به علت وجود جذبه های خاص، سادگی بیان و آشنا بودن با مخاطب می تواند توجه افراد را به خود جلب کند. قرآن نیز از مثال های فراوانی برای بیان مطالب خود استفاده کرده است، لیکن تنها عاقلان و عالمان را برای این امر مخاطب قرار می دهد "و تِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ" (عنکبوت، ۴۳).

در سیره ی تربیتی پیامبر اکرم(ص) نیز به عنوان نمونه می توان به «مثال گناهان» اشاره کرد؛ آنجا که ایشان در مسافرتی با یاران خود به سرزمین بی آب و علفی رسیدند و از هر یک از یاران خواستند که هیزم بیاورند. یاران وی که ابتدا تصور نمی کردند هیزم زیادی جمع شود، پس از مدتی مقدار زیادی هیزم جمع آوری کردند. حضرت نیز از چگونگی انباشته شدن گناهان با کنار هم آمدن گناهان کوچک خبر دادند<sup>۱۴</sup>.

#### ۲-۲) اصل دو (از مبنای دوم): نظم و انضباط

"نظم، ناشی از همسویی قوای درونی انسان است و مادامی که قوای درونی انسان، همسو و هم جهت نباشند، انسان منظم نمی شود. قوه ی عاقله، قوه ی شهویه، قوه ی غضبیه و قوه ی عملیه باید همسو شوند تا انسان بتواند در خود نظم ایجاد کند. اگر این قوا با حاکمیت عقل همسو شوند، نظم الهی خواهد بود و اگر با حاکمیت نفس همسو شوند، نظم دنیایی خواهد بود."

۱۱-مجلسی، ۱۴۰۳ هـ ج ۱، ص ۹۷

۱۲-همان، ج ۱، ص ۸۲

۱۳-مجلسی، ۱۴۰۳ هـ ج ۷۲، ص ۶

۱۴-کلینی، ۱۴۰۹ هـ ج ۲، ص ۲۱۸

(دلشاد تهرانی ۱۳۷۲) سیره ی پیامبر اکرم(ص) نیز تنظیم امور و نظام دادن به زندگی انسانی خود بود. عمل به قرآن نظام دهنده ی فرد و جامعه است و نظم شخصی و اجتماعی پیامبر اکرم(ص) حاکی از نفوذ بسیار پر اهمیت این امر در زندگی ایشان است؛ تا آنجا که رسول خدا(ص) برای تمامی وسایل شخصی خود نامی انتخاب کرده بودند و نیز بر صفوف نماز جماعت بسیار تأکید داشتند: "یا ایها الناس اقیمو صفوفکم، و خداؤا بین مناکبکم لئلا یکون بینکم خلل و لا تخالفوا فیخالف الله بین قلوبکم، الا وانی اراکم من خلفی" (حرّ العاملی، ۱۳۶۷)، یعنی ای مردم صف هایتان را منظم کنید و دوش به دوش بایستید تا فاصله و جدایی و خلل میان شما نباشد، و نامرتب نباشید، و گرنه خداوند دل های شما را از یکدیگر دور می گرداند، و من شما را از پشت سر می بینم.

### روش های تربیتی

روش های استنتاج شده در این اصل عبارتند از:

#### ۲-۲-۱) مراقبت از صفوف نماز

ظاهراً این امر کم اهمیت جلوه می کند، ولی اگر به رژه ی نظامی هر کشور، که از دیدگاه نظامی - سیاسی تأثیر مهمی در نمایش قدرت و صلابت نظامی آن کشور دارد، توجه داشته باشیم، می توان صفوف نماز را نیز نمایش همبستگی و اتحاد جامعه ی مسلمین دانست. لذا تأکید پیامبر اکرم(ص) بر مراقبت از صفوف نماز را می توان شیوه و روش بسیار مؤثری در تربیت اجتماعی مسلمانان قلمداد کرد: "صف هایتان را منظم کنید و نامرتب نباشید که دل هایتان پراکنده می شود"<sup>۱۵</sup>. همچنین ایشان فرموده اند: "میان صف ها را پر کنید، دوش به دوش یکدیگر بایستید تا شیطان بر شما غلبه نکند" (حرّ العاملی، ۱۳۶۷).

#### ۲-۲-۲) تقسیم ساعات شبانه روز

پیامبر اکرم(ص) اسوه ی نظم و انضباط بودند. ایشان در تمامی طول شبانه روز برنامه ی مشخصی برای خود داشتند: "و چون آن حضرت به منزل می رفتند، اوقات خویش را به سه قسمت تقسیم می کردند: قسمتی را برای عبادت خدا، قسمتی را برای اهل بیت خود و قسمتی را برای خود اختصاص می دادند. سپس آن قسمتی را که به خود اختصاص داده بودند میان خود و مردم تقسیم می کردند و بخشی از آن را به مردم اختصاص می دادند و عام و خاص را می پذیرفتند و چیزی از آنان مضایقه نمی کردند" (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۹).

از ابوذر نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: "بر عاقل واجب است که برای خود ساعاتی را داشته باشد، ساعتی برای مناجات با پروردگار، ساعتی جهت محاسبه و رسیدگی به اعمال و کردار خود، ساعتی جهت تفکر در آنچه خداوند نسبت به او انجام داده و ساعتی جهت خلوت برای خویش و بهره گرفتن از حلال"<sup>۱۶</sup>.

#### ۳) مبنای سوم: کرامت

یکی از مهم ترین مبنای تربیتی از دیدگاه اسلامی کرامت انسان است. "کرامت، بزرگواری است و بزرگواری، حاصل بهره وری معین یک موجود است، بی آن که پای مقایسه با غیر در آن گشوده شود و هر گاه چنین شد آن را فضیلت گویند، نه کرامت" (باقری، ۱۳۷۴). کرامت دارای دو مرتبه ی ذاتی و اکتسابی است. انسان به دلیل داشتن کرامت ذاتی از موجودات دیگر جهان برتر است و نوع دوم آن از طریق تقوی و پرهیزگاری و در پرتو تربیت و مجاهدت به دست می آید. (رهبر، ۱۳۸۰) در این حال کریم ترین انسان ها نزد پروردگار کسانی هستند که از تقوای بیشتری نسبت به دیگران برخوردارند: "إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ" (حجرات، ۱۳)

#### ۳-۱) اصل یک (از مبنای سوم): عزت

با توجه به کرامت ذاتی انسان باید توجه داشت که همیشه او را مکرم و عزیز شمرده و عزت نفس او را خدشه دار نسازیم و باید دانست که ظاهر دنیایی اشخاص (از جمله نوع رنگ پوست و قیافه یا طبقه اجتماعی یا شغل یا...) دلیل کرامت اشخاص

<sup>۱۵</sup>-المتقی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۷

<sup>۱۶</sup>- مجلسی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۷۱، ص ۳۲۳



نیست و نباید با به رخ کشیدن آنها عزت نفس افراد را تضعیف کرد. پیامبر اکرم(ص) در این باره فرموده اند: "اطلبوا الحوائج بعزّ الأنفس" (کرمی فریدنی، ۱۳۸۴)؛ یعنی خواسته های خود را با عزت نفس بطلبید. انسان با عزت، سخت، محکم، نفوذناپذیر، راسخ، استوار و شکست ناپذیر است و بالاترین عزت در وهله ی اول نزد خداوند و رسولش و در نهایت در نزد مؤمنان است. "و لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ" (منافقون، ۸).

مهم ترین شیوه ی تقویت و حفظ عزت، اطاعت خدا و تقوای الهی است. رسول خدا(ص) فرموده اند: "خداوند هر روز ندا می دهد که من پروردگار شما هستم. و هر کس که خواهان عزت در دو جهان است، از خدای عزیز اطاعت کند" ۱۷.

### روش های تربیتی

روش های استنتاج شده در این اصل عبارتند از:

#### ۳-۱-۱) تغافل

با توجه به اصل لذت، در برخی موارد بر مربی لازم است تا با چشم پوشی از خطاهای مربی و مخفی کردن آنها در حفظ عزت نفس وی بکوشد. تغافل نشانه ی بزرگواری و فروتنی مربی نیز می باشد و مایه ی بزرگ منشی مربی می گردد. پیامبر اکرم(ص) آن قدر در پذیرش عذر تراشی های منافقینی که به ظاهر مؤمن بودند پیش می رفت که آنان وی را به طعنه، گوش شنوا (حاکمی از ساده لوحی) می خواندند، یعنی این که او هر عذری را به دیده ی قبول می نگرد، لیکن خداوند فرمود: "قُلْ أَذُنُ خَيْرٍ لَكُمْ" (توبه، ۶۱)

#### ۳-۱-۲) گذشت در عین قدرت

مهم ترین رفتار پیامبر(ص) در این مورد پس از فتح مکه اتفاق افتاد که وی با قدرتی که پس از پیروزی به دست آورده بود می توانست از اشخاص کافر مشرک بسیاری انتقام بگیرد، لیکن با گذشت خود حرکتی تربیتی و پسندیده انجام داد و به آنان گفت که امروز دیگر نکوهشی بر شما نیست؛ بروید همه ی شما آزادید. (الصقار، ۱۳۸۳)

#### ۳-۲) اصل دو (از مبنای سوم): استقلال

استقلال یعنی تکیه بر حق و گسستن از غیر و چشم امید به دوست داشتن. پیامبر اکرم(ص) هم از لحاظ فکری و هم از لحاظ عملی مستقل بود و با رفتار و گفتار خویش به این اصل دعوت می کرد. آن حضرت(ص) کارهای شخصی را خود انجام می داد و اجازه نمی داد کسی برای او به زحمت بیفتد. ایشان می فرمودند: "کلوا من کدّ ایدیکم" ۱۸؛ یعنی از دسترنج خود بخورید.

از اموری که نشانه ی عدم استقلال بوده و سخت مورد نکوهش قرار گرفته است، سربار دیگران بودن است. امام صادق(ع) از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده اند: "ملعون من القی کلّه علی الناس". (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۹)، یعنی مورد لعنت است که آن خود را سربار دیگران سازد.

### روش های تربیتی

روش های استنتاج شده در این اصل عبارتند از:

#### ۳-۲-۱) کار و تلاش

تأکید معصومین (علیهم السلام)، خصوصاً رسول خدا(ص)، بر کار و تلاش مستمر از روش های انسان ساز آن بزرگان بوده است و خود نیز جلوتر از هر کس دیگری بخشی از زندگی خود را فعالیت در جهت کسب روزی حلال قرار داده بودند. پیامبر اکرم(ص) در این باره بیان داشته اند: "هر کس از دسترنج خود ارتزاق کند در قیامت در صف پیامبران قرار گیرد و پاداش آنان را برد" ۱۹.

۱۷- المتقی، ۱۴۰۹ هـ ج ۱۵، ص ۷۸۴

۱۸- مجلسی، ۱۴۰۳ هـ ج ۶۶، ص ۳۱۴

۱۹- مجلسی، ۱۴۰۳ هـ ج ۱۳، ص ۱۰

### ۳-۲-۲) قناعت

پیامبر اکرم(ص) از قناعت با عنوان مالی پایان ناپذیر یاد کرده و پیروان خود را به قناعت ورزیدن فرا می خواندند: "علیکم بالقناعت، فان القناعت مال لا ینفذ". (کرمی فریدنی، ۱۳۸۴) در جای دیگر، ایشان بهترین مؤمنین را قانع ترین آنها بر می شمارند: "خيار المؤمنین القانع". (همان)

### ۴) مبنای چهارم: جذبه حسن و احسان

تأکید پیامبر اکرم(ص) به زیبایی ها، نیکویی ها و اخلاق حسنه، نشان از همسبستگی خوبی ها و زیبایی ها با روح انسان دارد. "حُسن، گاه از طریق حس دریافت می شود و گاه از طریق غیر حس، و از این رو به اعتبار نخست، به معنی زیبایی و به اعتبار دوم به معنی خوبی خواهد بود". (باقری، ۱۳۷۴) آن حضرت(ص) همچنین هدف بعثت خود را اتمام مکارم الاخلاق بیان می دارد.

### ۴-۱) اصل یک (از مبنای چهارم): زیبایی و آراستگی

اصل آراستگی بیان گر آنست که "در جریان تربیت، باید صورت آنچه عرضه می شود نیک آراست تا رغبت ها نیز برانگیخته شود". (همان) پیامبر(ص) درباره ی زیبایی و آراستگی فرموده اند: "ان الله تعالی جمیل و یحب الجمال، سخیّ یحب السخاء، نظیف یحب النظافه" (کرمی فریدنی، ۱۳۸۴)؛ یعنی خدا زیباست و زیبایی را دوست می دارد، بخشنده است و بخشیدن را دوست می دارد، پاکیزه است و پاکیزگی را دوست می دارد. همچنین می دانیم که ایشان همیشه به آراستگی ظاهر خود با شانه کردن و عطر زدن و نگاه به آب برای مرتب کردن سر و روی خویش توجه داشتند.

### روش های تربیتی

روش های استنتاج شده در این اصل عبارتند از:

### ۴-۱-۱) آراستن ظاهر

پیامبر اکرم(ص) توجه زیاد به این امر داشته اند و در این باره فرموده اند: "جامه هایتان را بشوید و موهای اضافی را بچینید. مسواک بزنید و آراسته و بهداشتی زندگی کنید". (کرمی فریدنی، ۱۳۸۴)

### ۴-۱-۲) فصاحت زبان و کلام

کلام انسان تبیین کننده ی خواسته ها و تفکرات اوست. پیامبر اکرم(ص) در این خصوص فرموده اند: "جمال المرء فصاحه اللسان" (حرّالعاملی، ۱۳۶۷)؛ یعنی زیبایی مرد به فصاحت زبانش است. نیز فرموده اند: "ان من اجمل الجمال الشّعر الحسن و نغمه الصوت الحسن"؛<sup>۲۰</sup> یعنی همانا از زیباترین زیبایی ها شعر زیبا و نغمه ی زیباست.

### ۴-۱-۲) اصل دو (از مبنای چهارم): محبت

یکی از اساسی ترین نیازهای انسان پس از نیازهای زیستی، نیاز به محبت است. سیره ی پیامبر اکرم(ص) سرشار از توجه به این اصل است. رفتار محبت آمیز آن حضرت(ص) با فرزندان خود و دیگر کودکان و نیز با تمامی اطرافیان خود نماینده ی اهمیت این اصل نزد ایشان است. (حسینی زاده، ۱۳۸۲) نقل است از پیامبر اکرم(ص) خطاب به مردی از اشراف جاهلیت، که اظهار می کرد تا کنون هیچ یک از فرزندانش را نبوسیده است، فرمودند: "من لا یرحم، لا یرحم"<sup>۲۱</sup>، کسی که نسبت به دیگری رحم ندارد، خدا نیز نسبت به او رحم ندارد.

<sup>۲۰</sup> - کلینی، بی تا، ج ۲، ص ۶۱۵

<sup>۲۱</sup> - مجلسی، ۱۴۰۳ هـ ج ۴۳، ص ۲۸۲

**روش های تربیتی**

روش های استنتاج شده در این اصل عبارتند از:

**۴-۲-۱) نیکی به همگان**

رسول خدا(ص) در این باره فرموده اند: "به آن کسی که درخور نیکی است و آن کسی که شایسته ی آن نیست نیکی نما؛ چرا که اگر نیکی ات به آن که شایسته ی آن بود رسید، که به شایسته اش رسیده است و اگر به کسی رسید که درخور آن نیست، تو خود درخور شایسته کرداری هستی و در هر صورت زیان نکرده ای". (کرمی فریدنی، ۱۳۸۴)

**۴-۲-۲) نوازش فرزندان**

درباره ی ان حضرت(ص) نقل شده است: "اذا صبح مسح علی رؤوس ولده و ولد ولده"<sup>۲۲</sup>، یعنی هر روز صبح بر سر فرزندان و نواده های خویش دست محبت می کشید.

**۴-۳) اصل سه (از مبنای چهارم): پرهیز از خشونت**

پیامبر اکرم(ص)، به جز هنگام رویارویی با دشمنان خدا، از تندی و خشونت استفاده نمی کردند. ایشان توصیه می کردند که از خشم و خشونت همیشه اجتناب کنید: "اجتنب الغضب". (کرمی فریدنی، ۱۳۸۴)

**روش های تربیتی**

روش های استنتاج شده در این اصل عبارتند از:

**۴-۳-۱) نهی از رفتار تند با کودکان**

پیامبر(ص) همیشه در برخورد با کودکان حتی در کوچک ترین مسائل مربوطه از شیوه ی برخورد خشونت آمیز نهی می فرمودند. گاهی پیش می آمد که کودکی در دامن رسول خدا(ص) ادرار می کرد، کسانی که ناظر بودند به تندی و خشونت با کودک برمی خاستند تا او را از این کار باز دارند، ولی آن حضرت(ص) آنان را از این طرز رفتار منع می کرد و می فرمود: "با تندی و خشونت از ادرار کودک جلوگیری نکنید".

**۵) مبنای پنجم: نقایص ذاتی انسان**

هر انسانی به طور ذاتی دارای نقایصی است که در قرآن به آنها بسیار اشاره شده است؛ مانند عجولاً، جهولاً، ضعیفاً، منوعاً، هلوعاً، جزوعاً و... باید دید که چگونه می توان با این نقایص ذاتی به شیوه ای مناسب برخورد تربیتی داشت و از آنها در جهت رشد و کمال انسان استفاده کرد. روایات و احادیث پیامبر اکرم(ص) نشان می دهد که آن حضرت در پی برطرف کردن، پوشاندن و اغماض آن نقایص بوده و راه های کاهش آنها را در نظر گرفته و به کار می بردند. در مقابل، نمایش ضعف ها و نقایص انسانی از خصایص شیطانی است که مربی باید از آنها به دور باشد.

**۵-۱) اصل یک (از مبنای پنجم): مدارا**

مدارا یعنی نرمی و ملایمت در رفتار با دیگران. خداوند در قرآن کریم رفق و مدارای پیامبر اکرم(ص) را ناشی از رحمتش بر وی دانسته و آن را مایه ی رو کردن اجتماع به وی بر می شمارد: "فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ" (آل عمران، ۱۵۹).

پیامبر اکرم(ص) فرموده اند: "امر ربی بمداراه الناس، کما امرنی بآداء الفریض"<sup>۲۳</sup>؛ یعنی پروردگرم مرا به مدارا با مردم دستور داده، چنان که به انجام واجبات دستور داده است. همچنین ایشان در جایی دیگر می فرمایند: "لا یكون الرفق فی شیء آلاً زانه" (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲)، یعنی مدارا بر چیزی قرار نمی گیرد، مگر این که آن را زینت می بخشد.

<sup>۲۲</sup>- مجلسی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱۰۴، ص ۹۹

<sup>۲۳</sup>- مجلسی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۹، ص ۲۰۲

## روش های تربیتی

روش های استنتاج شده در این اصل عبارتند از:

## ۵-۱-۱) تصحیح اشتباه مربی بدون ذکر نام

عایشه می گوید: "روزی پیغمبر(ص) عملی را انجام داد، و اجازه داد تا مسلمانان نیز آن کار را انجام دهند، ولی گروهی از ایشان با اعتقاد به نامشروع بودن آن عمل از انجامش خودداری کردند. وقتی این خبر به گوش او رسید مسلمانان را جمع کرد و پس از ادای خطبه و حمد و ثنای پروردگار خطاب به آنان گفت: چه شده است که گروهی از انجام عملی که من خود انجام داده ام پرهیز می کنند؟ سوگند به خدا که آگاهی من به دین خدا از آنان بیشتر و ترسم از عذاب الهی شدیدتر است". (الصفار، ۱۳۸۳)

## ۵-۱-۲) مرحله ای نمودن تکالیف

با توجه به ضعف ها و نقایص ذاتی انسان ها بهتر است تکالیف را از آسان به سخت و به صورت مرحله ای به آنها توصیه کنیم. این شیوه ای است که خدا و رسولش(ص) در انزال آیات الهی به تازه مسلمانان در پی گرفتند. تحریم شرب خمر در چند مرحله و درجات تقوای الهی از نمونه های بارز این شیوه است.

## ۵-۱-۳) سعه صدر در مقابل مخالفان

کم تر مکتبی است که مانند دین مبین اسلام در مقابل مخالفان با سعه ی صدر و آرامش صحبت و بحث کند و ایشان را به بیان براهین خود دعوت کند: "قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ" (بقره، ۱۱۱). پیامبر اکرم(ص) در بیان صفات مؤمن فرموده اند: "اَوْسَعَ النَّاسِ صَدْرًا"<sup>۲۴</sup>؛ یعنی سعه صدرش از همه مردم بیشتر است.

## ۵-۲) اصل دو (از مبنای پنجم): عدم تکلف

در این خصوص، "سیره ی نبی اکرم(ص) بر عدم تکلف استوار بود و آن را از افتخارات خود می شمرد، افتخار در بری بودن از تصنع و خودآرایی و بستن چیزی به خود و خود را به مشقت انداختن". (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۲) ایشان فرموده اند: "آنی لا احبّ المتكلفين"<sup>۲۵</sup>؛ من اهل تکلف را دوست ندارم.

## روش های تربیتی

در این اصل روش های استنتاج شده عبارتند از:

## ۵-۲-۱) آسان گیری

پیامبر اکرم(ص) در این باره فرموده اند: "آسان گیری و سهل انگاشتن مایه ی سود است و سخت گیری مایه ی شومی و بدبختی". (کرمی فریدنی، ۱۳۸۴)

## ۵-۳) اصل سه (از مبنای پنجم): استقامت

سبب صیقل روح انبیا، صبر و استقامت و پایداری آنان بوده است. خداوند به پیامبرش توصیه به صبر می کند: "فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ" (احقاف، ۳۵)؛ یعنی تو هم مانند پیامبران اولی العزم صبور باش. یا در جای دیگری از قرآن می فرماید: "فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ" (شوری، ۱۵) یعنی چنان که مأموری استقامت کن. رسول خدا(ص) فرموده اند: "انّ عظیم البلاء یکافأ به عظیم الجزاء، فاذا احب الله عبداً ابتلاه بعظیم البلاء فمن رضی فله عندالله الرضا و من سخط البلاء فله عندالله السخط"<sup>۲۶</sup>؛ یعنی بلای بزرگ به اجر بزرگ پاداش داده شود، و هر گاه خدا بنده ای را دوست دارد، به بلای بزرگ گرفتارش سازد. پس هر که راضی شود، نزد خدا برای او رضا باشد، و هر که ناراضی باشد، نزد خدا برایش رضا نیست.

<sup>۲۴</sup> -مجلسی، ۱۴۰۳ هـ ج ۶۷، ص ۳۱۰

<sup>۲۵</sup> -المتقی، ۱۴۰۹ هـ ج ۱۱، ص ۲۲۸

<sup>۲۶</sup> -کلینی، بی تا، ج ۳، ص ۳۵۲

**روش های تربیتی**

روش های استنتاج شده در این اصل عبارتند از:

**۵-۳-۱) صبر در مصیبت**

با نگاهی به زندگی پیامبر اکرم(ص) می بینیم که تمام طول زندگی ایشان پر از مصیبت ها و مشکلات مختلف است و این نشان از صبر و استقامت بسیار ایشان دارد. آن حضرت در این مورد فرموده اند: "هیچ کس آن چنان که من در راه خدا آزار دیدم، اذیت نگردید"<sup>۲۷</sup>.

**۵-۳-۲) صبر در طاعت**

پیامبر اکرم(ص) فرموده اند: "الصبر ثلاثه: صبر علی المصیبه و صبر علی الطاعه و صبر عن المصیبه"<sup>۲۸</sup>؛ صبر سه گونه است: صبر در مصیبت و صبر در طاعت و صبر از گناه. رسول خدا(ص) هنگامی که بار رسالت را بر دوش گرفت، تا انتهای زندگی خود در عرصه ی اطاعت حق ثابت قدم بود، او مأمور به استقامت بود.

**۵-۳-۳) صبر از گناه**

همان طور که ذکر شد به گفته ی پیامبر اکرم(ص)، سومین نوع صبر، صبر از گناه است. آدمی باید در مقابل هوای نفس و دسیسه های شیطانی از خود استقامت و پایداری نشان دهد و هیچ گاه به دره ی لغزش ها و بدی ها پرت نگردد.

**۶) مبنای ششم: وجود رابط**

انسان همیشه در حال برقراری ارتباط می باشد و وجود او به قول فلاسفه یک وجود ربطی است. انسان با خدا، با خودش، با طبیعت و با دیگر هموعان خود همیشه در حال ارتباط (آگاهانه و ناخودآگاه) می باشد. تنظیم چگونگی این ارتباطات، استفاده ی بهینه و خودآگاه از آنها و تکمیل و تصحیح آنها از وظایف مربیان است. رسول خدا(ص) نیز در سیره ی اجتماعی مسلمانان تأکید بسیاری بر روابط مؤمنانه داشتند: "من فرج عن مسلم کربه فرج الله عنه بها کربه من کرب یوم القیامه"<sup>۲۹</sup>، یعنی کسی که از مسلمانی گری بگشاید، خداوند به موجب آن، گری از گره های روز قیامت را از او می گشاید.

**۶-۱) اصل یک (از مبنای ششم): عدالت**

این اصل بیان گر آن است که نمی توان با تمامی افراد مختلف رابطه ی تربیتی یکسانی برقرار کرد، بلکه باید موازنه ای بین نوع شخصیت و رفتار او با عملکرد تربیتی مربی به وجود آید. پیامبر اکرم(ص) خطاب به حضرت علی(ع)، سه چیز را نجات دهنده می دانند که اولین آنها "العدل فی الرضا والغضب"<sup>۳۰</sup> (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۹)؛ یعنی عدالت در آرامش و غضب است. همچنین ایشان توصیه کرده اند: "میان فرزندانان در بخشش به دادگری رفتار کنید"<sup>۳۱</sup> (کریمی فریدنی، ۱۳۸۴).

**روش های تربیتی**

در این اصل روش های استنتاج شده عبارتند از:

**۶-۱-۱) برابری افراد در برابر قانون**

در نظام اسلامی تمامی افراد در برابر قانون الهی برابر هستند، و هیچ کس حق تعدی و تجاوز و ظلم ندارد. در این نظام حتی امامان و رهبران جامعه نیز استثناء نیستند. پیامبر اکرم(ص) درباره ی صفات مؤمن فرموده اند: "لا یجور و لا یعتدی"<sup>۳۰</sup>؛ یعنی نه ستم می کند و نه تجاوز. او حتی با دشمنش به رعایت حق می پردازد: "و لا یرد الحق علی عدوه"<sup>۳۱</sup>؛ یعنی و در مقابله با او حق را پایمال نمی کند.

<sup>۲۷</sup>-المتقی، ۱۴۰۹ هـ ج ۳، ص ۱۳۰

<sup>۲۸</sup>-کلینی، ج ۲، ص ۹۱

<sup>۲۹</sup>-همان، ج ۶

<sup>۳۰</sup>-مجلسی، ج ۶۷، ص ۳۱۰

<sup>۳۱</sup>-همان، ص ۲۴۱

**۶-۱-۲) تکلیف به قدر وسع**

خداوند به اندازه ی وسع مخاطبین سخن گفته و به آنها بیشتر از وسعشان تکلیف نمی کند: "لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا" (بقره، ۲۸۶). پیامبر اکرم (ص) نیز خود را این گونه توصیف می کند: "آنا أمرنا معاشر الأنبياء ان نكلّم الناس بقدر عقولهم" (همان، ۹۴)؛ ما انبیا فرمان یافته ایم که با مردم به اندازه ی عقل آنان سخن بگوییم .

**۶-۱-۳) معیار قرار دادن خود**

پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: "دادگرتین مردم کسی است که آنچه را برای خودش خوشایند آمد، آن را برای مردم پسندد، و برای مردم همان را ناخوشایند بداند که برای خودش خوشایند نیست" (کرمی فریدنی، ۱۳۸۴)

**۶-۲) اصل دو (از مبنای ششم) تکلیف و مسؤولیت**

اصل مسؤولیت بیان گر آنست که "باید مقاومت فرد را در قبال شرایط افزایش داد و او را چنان گرداند که به جای پیروی از فشارهای بیرونی از الزام های درونی تبعیت کند. این پیروی از الزام های درونی را احساس مسؤولیت یا احساس تکلیف می نامیم". ( باقری، ۱۳۷۴) پیامبر اکرم (ص) در این مورد فرموده اند: "کسی که نسبت به امور مسلمانان احساس مسؤولیت نکند از مسلمانان نیست"<sup>۳۲</sup>

**روش های تربیتی**

در این اصل روش های استنتاج شده عبارتند از:

**۶-۲-۱) ابتلاء**

خداوند در مقام تربیت انسان، او را امتحان کرده و به بلا دچار می سازد. تنگدستی، غنا، فقر، دشواری، راحتی و... از انواع بلاهایی است که انسان بایستی در برابر آنها صبر و شکر کند: "و نَبَلُوکُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً" (انبیاء، ۳۵). مربی با روبرو کردن متربی با سختی ها و خوشی ها به تربیت وی می پردازد. پیامبر (ص) فرمودند: "چون گرفتاران را دیدید خدا را شکر کنید و به آنها نشنوانید (آهسته بگویید) زیرا اندوهگین شان می سازید"<sup>۳۳</sup>.

**۶-۲-۲) دلسوزی در مدیریت مسلمین**

پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: "هر کسی کاری از کار مدیریت و زمامداری جامعه ی مسلمانان را به دست گیرد و در کار آنان بسان کار خود دل نسوزاند و احتیاط به خرج ندهد بوی دلاویز بهشت را نخواهد شنید" (کرمی فریدنی، ۱۳۸۴)

**۶-۳) اصل سه (از مبنای ششم): اخوت**

خداوند در قرآن بیان می دارد که مؤمنان همیشه با یکدیگر برادرند: "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ" (حجرات، ۱۰). رسول خدا (ص) نیز بر اهمیت این اصل تأکید بسیار داشته اند: "من زار اخاه فی بیهته، قال الله له: انت ضیفی و زائری، علی قراک و قد اوجبت لک الجنة بحبک اياه"<sup>۳۴</sup>، یعنی هر کس برادرش را در منزلش زیارت کند، خداوند به او می فرماید: تو مهمان و زائر منی و پذیرائیت بر من است، من به خاطر دوستی تو نسبت به او بهشت را برایت واجب ساختم.

**روش های تربیتی**

روش های استنتاج شده در این اصل عبارتند از:

**۶-۳-۱) خدمت به خلق**

رسول خدا (ص) فرموده اند: "سودمندترین مردم برای مردم محبوب ترین آنان نزد خداوند است"<sup>۳۵</sup>. همچنین فرموده اند: "هر مسلمانی که به جماعتی از مسلمین خدمت گذاری کند، خدا به شماره ی آنها در بهشت به او خدمت گذار می دهد"<sup>۳۶</sup>.

۳۲- کلینی، بی تا، ج ۲، ص ۱۶۳

۳۳- کلینی، بی تا، ج ۳، ص ۱۵۴

۳۴- کلینی، بی تا، ج ۳، ص ۲۵۶

۳۵- کلینی، بی تا، ج ۲، ص ۱۶۴

۳۶- همان، ج ۳، ص ۲۹۶

### ۶-۳-۲) همدردی با دیگران

واضح ترین کلام در این مورد این قول پیامبر اکرم(ص) است: "آن کس که سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد به رسالت من ایمان ندارد"<sup>۳۷</sup>.

### ۶-۴) اصل چهار (از مبنای ششم): مشورت

خداوند به پیامبر اکرم(ص) دستور می دهد: "شاورهم فی الأمر" (آل عمران، ۱۵۹). در جای دیگری به آن حضرت توصیه می کند: "وَأْمُرْهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ" (شوری، ۳۸).

مهم ترین تجربه ی پیامبر(ص) در این خصوص، در مشورت های جنگی (مانند جنگ خندق) معروف است. رسول خدا(ص) در نصیحتی به حضرت علی(ع) می فرماید: "لا مظاهره احسن من المشاوره". (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۹) یعنی هیچ پشتیبانی بهتر از مشورت نیست.

### روش های تربیتی

روش های استنتاج شده در این اصل عبارتند از:

### ۶-۴-۱) استفاده از علم دیگران

امروزه روش های نوین تعلیم و تربیت نیز بر یادگیری مشارکتی و علم آموزی تعاملی تأکید می کنند. پیامبر اکرم(ص) در این باره فرموده اند: "اعلم الناس من جمع علم الناس الی علمه" (کریمی فریدنی، ۱۳۸۴) یعنی داناترین مردم کسی است که دانش دیگران را بر دانش خود بیفزاید. بنابراین در این مسیر هر گونه حرکت انفرادی منجر به انحراف یا شکست خواهد شد.

### بحث و نتیجه گیری

۱) از منظر پیامبر اکرم(ص) در مبنای تربیتی فطرت، در اصل تذکر، روش های تربیتی شامل موعظه، بیان قصه و در اصل بندگی خدا، روش های تربیتی شامل اهمیت دادن به نماز، و خشنودی به قضا و حکم خدا بوده است.

۲) از منظر پیامبر اکرم(ص) در مبنای تربیتی عقلانیت، در اصل تعقل، روش های تربیتی شامل پرسش و پاسخ، گفت و گو، ذکر مثل و در اصل نظم و انضباط، روش های تربیتی شامل مراقبت از صفوف نماز، و تقسیم ساعات شبانه روز بوده است.

۳) از منظر پیامبر اکرم(ص) در مبنای تربیتی کرامت، در اصل عزت، روش های تربیتی شامل تغافل، گذشت در عین قدرت و در اصل استقلال، روش های تربیتی شامل کار و تلاش و قناعت بوده است.

۴) از منظر پیامبر اکرم(ص) در مبنای تربیتی جذبه ی حسن و احسان، در اصل زیبایی و آراستگی، روش های تربیتی شامل آراستن ظاهر، فصاحت زبان و کلام و در اصل محبت، روش های تربیتی شامل نیکی به همگان و نوازش فرزندان و در اصل پرهیز از خشونت، روش های تربیتی شامل نهی از رفتار تند با کودکان بوده است.

۵) از منظر پیامبر اکرم(ص) در مبنای تربیتی نقایص ذاتی انسان، در اصل مدارا، روش های تربیتی شامل تصحیح اشتباه مربی بدون ذکر نام، مرحله ای نمودن تکالیف، و سعه ی صدر در مقابل مخالفان و در اصل عدم تکلف، روش های تربیتی شامل آسان گیری و در اصل استقامت، روش های تربیتی شامل صبر در مصیبت، صبر در طاعت، و صبر از گناه بوده است.

۶) از منظر پیامبر اکرم(ص) در مبنای تربیتی وجود رابط، در اصل عدالت، روش های تربیتی شامل برابری افراد در برابر قانون، تکلیف به قدر وسع و معیار قرار دادن خود و در اصل تکلیف و مسؤولیت، روش های تربیتی شامل ابتلاء و دلسوزی در مدیریت مسلمین و در اصل اخوت، روش های تربیتی شامل خدمت به خلق، همدردی با دیگران و در اصل مشورت، روش های تربیتی شامل استفاده از علم دیگران بوده است.

در مجموع می توان گفت که به دلیل جامعیت عملکرد پیامبر اکرم(ص) و ریشه در وحی داشتن سیره ی وی و نیز اسوه بودن آن حضرت(ص) برای تمام مسلمین، مبانی، اصول و روش های تربیتی اتخاذ شده از سیره آن حضرت(ص) می تواند در ایجاد یک ساختار قوی و نظام مند برای تعلیم و تربیت کشور اسلامی ما بسیار مؤثر و راه گشا باشد.

مربیان و معلمان می توانند با الگو قرار دادن سیره ی ائمه اطهار (علیهم السلام)، به عنوان برترین مربیان عالم، نقش کلیدی خود در تعلیم و تربیت را به نحو احسن ایفا نمایند.

#### منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی الحسین (۱۳۶۹)، تحف العقول من آل الرسول، ترجمه ی آیت الله کمره ای، قم، انتشارات اسلامیة.
- ۳- الصفار، سالم (۱۳۸۳)، سیره پیامبر(ص) در رهبری و انسان سازی، ترجمه ی غلامحسین انصاری، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- ۴- الممتقی، علی بن الحسام الدین (۱۴۰۹هـ)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله.
- ۵- باقری، خسرو (۱۳۷۴)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مدرسه.
- ۶- بکار، عبدالکریم. حول التربیت التعلیم، دمشق، دارالقلم.
- ۷- باقری، خسرو (۱۳۶۸)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزش وزارت آموزش و پرورش.
- ۸- حر العاملی، محمدبن الحسن (۱۳۶۷)، وسایل الشیعه، چاپ ششم، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- ۹- حسینی زاده، سید علی (۱۳۸۴) سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت (علیهم السلام)، جلد چهارم (نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش های دینی)، چاپ دوم، قم، مؤسسه ی پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- ۱۰- حسینی زاده، سید علی (۱۳۸۲)، سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت (علیهم السلام)، جلد دوم (تربیت فرزند)، چاپ سوم، قم، مؤسسه ی پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- ۱۱- حاجی ده آبادی، محمدعلی (۱۳۷۷). درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ۱۲- داوودی، محمد (۱۳۸۳)، سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت (علیهم السلام)، جلد دوم (تربیت فرزند)، چاپ سوم، قم، مؤسسه ی پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- ۱۳- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۲)، سیره نبوی (منطق عملی)، دفتر اول (سیره فردی)، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.
- ۱۴- رهبر، محمدتقی، رحیمیان، محمد حسن (۱۳۸۰)، اخلاق و تربیت اسلامی، چاپ هفتم، تهران، سمت.
- ۱۵- شریعتمداری، علی (۱۳۷۳)، تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ نهم، تهران، امیرکبیر.
- ۱۶- کریمی فریدنی، علی (۱۳۸۴)، نهج الفصاحه، پرتوی از پیام پیامبر، قم، انتشارات حلم.
- ۱۷- کلینی، محمدبن یعقوب (بی تا)، اصول کافی، ترجمه و شرح جواد مصطفوی، تهران، نشر اهل البیت.
- ۱۸- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۲)، میزان الحکمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه ی قم.
- ۱۹- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹)، گفت و گوی تمدن ها در قرآن و حدیث، ترجمه ی محمدعلی سلطانی، قم، دارالحدیث.
- ۲۰- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳هـ)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.